

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به پدر و مادر عزیزم که زحمات زیادی برای بنده متحمل شده اند

اشاعه مالکیت فکری

تالیف:

مقداد محمدیان

(مدرس دانشگاه)

ویراستار:

عبدالرضا آزادی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

سرشناسه	: محمدیان، مقدا، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: اشاعه مالکیت فکری / تالیف مقدا محمدیان؛ ویراستار عبدالرضا آزادی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۳۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: مالکیت معنوی
موضوع	: Intellectual property
موضوع	: حق مولف
موضوع	: Copyright
شناسه افزوده	: آزادی، عبدالرضا، ۱۳۳۸ -، ویراستار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ م ۳۴ الف ۵ / ۱۴۰ K
رده بندی دیویی	: ۰۴۸ / ۳۴۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۶۹۷۰۶

انتشارات قانون یار

اشاعه مالکیت فکری

تألیف: مقدا محمدیان

ویراستار: عبدالرضا آزادی

ناشر: قانون یار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت نسخه الکترونیکی: ۸۰۰۰ تومان

قیمت نسخه چاپی: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۳۶-۷

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	فصل اول
۹	کلیات
۴۳	فصل دوم
۴۳	بررسی و شناخت حقوق مالکیت فکری
۷۵	فصل سوم
۷۵	آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری
۹۷	فصل چهارم
۹۷	نتیجه گیری و جمع بندی
۱۰۷	منابع و مآخذ

مقدمه

اثری که در نتیجه همکاری چند نفر به وجود می‌آید ممکن است دارای وضعیت‌های متفاوت باشد. ممکن است همکاری با هماهنگی و سازماندهی شخصی حقیقی یا حقوقی و یا با هماهنگی بین خود مؤلفان بدون دخالت شخص ثالث صورت گیرد. در این همکاری ممکن است سهم مشارکت‌کنندگان قابل تعیین و یا غیرقابل تعیین باشد. مشارکت هریک ممکن است از یک نوع و یا انواع گوناگون باشد، به عنوان مثال، اثر دارای عناصر ادبی و هنری باشد، یا اینکه از یک نوع مثلاً ادبی تنها باشد (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۵۴). این امکان وجود دارد که مؤلف در تهیه اثر از اثر سابق بهره گرفته باشد که در این صورت از اثر جدید تحت عناوین گوناگون ثانوی، مشتق و یا اشتقاقی یاد می‌شود. این نوع آثار شامل اقتباس، ترجمه، جنگ در زمینه ادبی و تنظیم در زمینه موسیقی و تبدیل در زمینه هنرهای پلاستیکی (تجسمی) می‌شود. اگر مؤلف اثر سابق در تهیه اثر دوم همکاری داشته باشد اثر دوم ثانوی نیست، بلکه اثر مشترک تلقی می‌شود. به هر حال امکان اینکه یک اثر مشترک در عین حال ثانوی هم باشد، وجود دارد.

چنانچه کلیه آثار آفریده شده توسط دو یا چند نفر، اعم از اینکه همکاری بین آنها به طور مستقیم و یا غیرمستقیم باشد را مرکب بنامیم، در این صورت آثار مرکب دارای انواع گوناگون اشتقاقی، جمعی و مشترک خواهد بود. آثار جمعی و مشترک به لحاظ شباهت‌های فراوان در برخی نظام‌های حقوقی^۱ و تألیفات پاره‌ای مؤلفان (نوروزی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹) با یکدیگر خلط شده اند. هدف این نوشتار بررسی مفاهیم یاد شده، ترسی وضعیت حقوقی آنها و تعیین ملاک تشخیص آن دو است. در رشته حقوق مالکیت فکری مؤلفان به اعتبار آثارشان مورد حمایت می‌باشند. اگر در آفرینش اثر افراد متعدد شرکت کرده باشند، در این صورت طبیعی است که کلیه مؤلفان با توجه به میزان و نحوه مشارکت آنها مشمول حمایت قرار گیرند. به عبارتی دیگر نحوه مشارکت آفریننده در آفرینش اثر عامل تعیین‌کننده در نوع و عنوان اثر و نیز تعیین حقوق شریک همکار و اجرای آن است. در اکثر نظام‌های حقوقی



به عناوین اثر مشترک و جمعی به عنوان آثاری که در نتیجه فعالیت دو یا چند نفر حاصل می‌شود اشاره شده است، بدون اینکه بر مفهوم این اصطلاحات، نوع و میزان حقوق اختصاصی بین آنها اتفاق نظر وجود داشته باشد (ر.ک. صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱)

در برخی قوانین معیار تشخیص اثر جمعی از اثر مشترک تشخیص و تعیین مؤلف هر بخش قرار گرفته است، با این توضیح که اگر مؤلف هر بخش مشخص باشد اثر جمعی و در غیر این صورت اثر مشترک خواهد بود. قانون‌گذار نیز تحت تأثیر برخی قوانین بیگانه طی ماده ۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، و نیز ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدید آورندگان نرم‌افزاری رایانه‌ای به تعریف اثر مشترک پرداخته است. ۱. به منظور ارزیابی مواد یاد شده ابتدا اثر جمعی (الف)، سپس اثر مشترک (ب)، با تأکید بر حقوق فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد، سرانجام نقد مواد قانونی مربوط در حقوق داخلی با توجه به بررسی صورت گرفته نتیجه این تحقیق را تشکیل خواهد داد.

فصل اول

کلیات

مبحث اول: تاریخچه حقوق مالکیت فکری

یکی از موهبت‌های الهی که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است، احساس مسئولیت نسبت به داشته‌های خود و اعتقاد به ضرورت حفظ و صیانت از آنهاست؛ احساسی که در جوامع انسانی از آن به عنوان نهاد حقوقی «مالکیت» یاد می‌شود. ابناء بشر تمایلی قوی به حفظ یافته‌های مادی و معنوی و گسترش و افتخار به آنها را در خود دارد. این احساس در انسان ابتدا نسبت به اموال مادی به وجود آمد. و تا قرون گذشته تلاش‌های فکری بشری اگرچه مورد احترام و اکرام بود اما نیازهای مادی وی اساساً با کار و تلاش فیزیکی و تبادل اموال عینی یا پرداخت پول و ما به ازاء برطرف می‌گردید. اما از زمانی که جوامع مدرن به مفهوم امروزی آن شکل گرفت و شهرنشینی به سبک جدید رواج پیدا کرد، دانش و فن به عنوان انگیزه‌ای برای رشد جوامع مطرح گردید و رونق پیدا کرد؛ به ویژه از قرن پانزدهم به بعد اندیشه‌ورزی و تراوش‌های فکری به مبنایی برای کسب ثروت تبدیل شد و صبغه اقتصادی به خود گرفت و امروز از آن به عنوان عاملی مهم برای رشد اقتصادی و توسعه جوامع یاد می‌شود.

با ظهور صنعت چاپ و امکان نشر آسان کتب علمی و ادبی و هنری، سرقت و سوءاستفاده از آثار فکری دیگران نیز میسر شد. و کم‌کم صاحبان اندیشه و هنر دریافتند که برای حفظ دستاوردهای فکری خود می‌بایست سازوکاری فراهم آورند. این نهضت ابتدا موجب فراهم آمدن زمینه برای صدور گواهی‌نامه‌هایی از سوی سلاطین اروپایی، تحت عنوان حق امتیاز گردید. این رویه هم منافع دارنده گواهی را فراهم می‌ساخت و هم امکان کنترل اندیشه‌ها از سوی حکام را به وجود می‌آورد. این حمایت‌ها کم‌کم به وضع قوانین ملی انجامید که از آن میان می‌توان به اولین قانون موضوعه برای حمایت از اختراعات به سال ۱۴۷۴ در ونیز اشاره کرد. قانونی که حقوق انحصاری لازم را برای مخترع برای مدت ۱۰ سال فراهم می‌ساخت. و به دنبال آن در سال ۱۶۲۴ در انگلستان حمایت از مالکیت فکری در قالب حمایت از اختراعات آغاز و منتهی به وضع قانون حق مؤلف در ۱۷۰۹ و به تدریج سرایت این حرکت به کشورهای دیگر گردید. به طوری که امروز شاهد نهادینه شدن این تأسیس حقوقی در تمامی کشورها هستیم.



وضع قوانین در خصوص حقوق مالکیت فکری در ایران با تصویب قانون ثبت علائم تجارتي ایران در ۹ فروردین ۱۳۰۴ شروع و با اصلاحات بعدی به تصویب قانون ثبت علائم و اختراعات در ۲۹ تیرماه ۱۳۱۰ منجر گردید که به همراه آیین‌نامه اصلاحی آن تا زمان حاضر مورد استناد متقاضیان ثبت علائم و اختراعات قرار گرفته است. به موازات وضع قوانین، در معاهدات مودت و همکاری‌های فنی و تجاری بین ایران و برخی کشورها، حمایت از علائم تجاری و اختراعات مورد توجه بوده است که این حمایت‌ها صرفاً به مناسبات دوجانبه طرف‌های معاهدات مذکور محدود می‌گردیده است. قوانین و مقررات دیگری نیز پس از آن در زمینه‌های مختلف و توسط مراجع ذی‌صلاح به تصویب رسیده و مورد استفاده و استناد قرار گرفته و می‌گیرد که می‌توان در زمره آنها از قانون مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۴۴/۳/۲۹ با اصلاحات بعدی آن و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ و آیین‌نامه اجرایی آن و قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹ یاد کرد.

در کنار تصویب قوانین و انعقاد معاهدات دوجانبه همکاری‌های فنی و تجاری و معاهدات مودت، با توجه به اقتضائات پیش آمده و احساس ضرورت نهادهای قانونگذاری و به موازات توسعه جامعه، به برخی از معاهدات بین‌المللی مرتبط نیز پیوسته‌ایم؛ از جمله مهم‌ترین این معاهدات، کنوانسیون پاریس راجع به حمایت مالکیت صنعتی در سال ۱۳۳۸ و کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت فکری (واپو) در سال ۱۳۸۰، اتحادیه موسوم به مادرید و موافقت‌نامه آن راجع به ثبت بین‌المللی علائم و پروتکل مربوط در سال ۱۳۸۰ است. مقررات مندرج در این معاهدات با عنایت به مفاد ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون بوده و پس از تصویب و انتشار لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا می‌باشند. این معاهدات در عین حالی که امتیازاتی را در حوزه تعاملات بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت فکری و تجارت برای کشور ما به ارمغان می‌آورند، تعهداتی را نیز تحمیل می‌کنند تا در راستای ایجاد نظامی منطقی و بین‌المللی امکان داد و ستد در زمینه‌های تجاری، تبادل اطلاعات و انتقال فناوری و منابع اولیه فراهم گردد.



مالکیت فکری یا مالکیت معنوی، مجموعه‌ای از امتیازها و مصونیت‌ها و توانایی‌ها است که پدیدآورنده آفرینش فکری درباره امر غیرمادی و غیرملموس دارد. مالکیت فکری امروزه بخش مهمی از اموال را تشکیل می‌دهد و از جهت‌های گوناگون اهمیت دارد. به لحاظ اجتماعی اثر مالکیت فکری در توسعه دانش و تأمین رفاه تأثیر دارد. به لحاظ اقتصادی با توجه به میزان تولید فکر اهمیت یافته و بخش مهمی از منابع مالی را شکل می‌دهد. مالکیت فکری از جهت سیاسی نیز اهمیت دارد زیرا باعث شکل‌گیری سلطه علمی از طرف کشورهای دارای تولید بالا بر کشورهای وارد کننده دانش هستند. پذیرش نظام مالکیت فکری با این فرض که در کشور تولیدات فکری وجود دارد در جهت منافع پدیدآورنده است زیرا وی می‌تواند از منافع اقتصادی تولید خود بهره‌برد. این نظام متناسب با خواست و نیاز مصرف‌کننده نیز است زیرا تولیدکنندگان و کنشگران محیط علمی برای کسب سود خواست مصرف‌کننده را مورد توجه قرار می‌دهند. این امر در جهت مصالح عمومی نیز است زیرا می‌تواند جریان تولید علم را شتاب دهد.

گفتار اول: چیستی مالکیت فکری

از جمله بحث‌های مهم در شناخت مالکیت فکری شناخت چیستی آن است. این موضوع از جمله موضوع‌های فلسفه مالکیت فکری است. مالکیت فکری واژه کلی با مصداق‌های گوناگونی است که وجه مشترک آنها این است که موضوعشان شیء فیزیکی نیست. این میزان از ویژگی برای تعریف و شناخت ماهیت امر، کافی نیست؛ از این رو باید برای شناخت مالکیت فکری به روش‌های دیگر اندیشید. از میان روش‌های موجود دو روش در اینجا مفیدتر است. یکی شناخت مالکیت فکری از راه شناخت مصداق‌ها و دیگری از راه شناخت حقوق مترتب بر پدیده‌های فکری است.

گفتار دوم: تحلیل مصداقی مالکیت فکری

یکی از راه‌های شناخت ماهیت حقوقی، شناخت اجزا و افراد زیر پوشش آن است. قانون‌گذار می‌تواند به جای ارایه تعریف عام، مصداق‌های عنوان را به صورت مستقیم بشمارد و از این رهگذر، خود را از ارایه تعریف برهاند. این وضعیت در کنوانسیون تأسیس سازمان



جهانی مالکیت معنوی امضا شده در استکهلم در ۱۴ جولای ۱۹۷۶ و اصلاحی دوم اکتبر ۱۹۷۹ به چشم می خورد. بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون درباره مالکیت فکری مقرر می دارد:

«مالکیت فکری شامل حقوقی مرتبط با موردهای ذیل خواهد بود:

- آثار ادبی، هنری و علمی؛

- ترجمه هنرمندان مترجم، اجرای هنرمندان مجری، صدای ضبط شده، برنامه های رادیویی؛

- هر گونه اختراعات درباره فعالیت انسان؛

- کشفیات علمی؛

- طرح و نقش و مدل های صنعتی؛

- علائم تجارتي، علائم خدماتی، نام های تجارتي و نام گذاری شرکت ها؛

- حمایت در برابر رقابت غیرقانونی و دیگر حقوقی که مربوط به فعالیت ثمره فکری در

قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری است» (شفیعی شکیب، ۱۳۸۱: ۹۶).

به طور کلی می توان نظام مالکیت فکری را در دو حوزه وسیع مالکیت صنعتی و مالکیت

ادبی و هنری تقسیم کرد. در دسته مالکیت ادبی و هنری، حقوق اخلاقی و اقتصادی اهمیت

دارد و در دسته مالکیت صنعتی، حقوق اقتصادی مهم است.

این شیوه شناخت به امر موجود ناظر است و توان پیش بینی وضعیت آینده را ندارد. افزون بر

این، چنین شیوه ای بیشتر برای آموزش حقوق مالکیت فکری موثر است و چندان برای شناخت

احکام و آثار مفید نیست.

مبحث دوم: حقوق اقتصادی و حقوق اخلاقی مالکیت فکری

به طور معمول نظام های مالکیت فکری متضمن دو دسته حقوق برای پدیدآورنده هستند؛

حقوق اقتصادی و حقوق معنوی یا اخلاقی. در ادامه این دو دسته حقوق را بررسی می کنیم.

گفتار اول: حقوق اقتصادی مالکیت فکری

مهم ترین هدف هر نظام مالکیت فکری اطمینان دادن به پدیدآورنده است که به صورت

انحصاری حق استفاده از منافع اقتصادی پدیده فکری خود را دارد و حقوق از این امر

به صورت شایسته حمایت می کند. حقوق اقتصادی مالکیت فکری به پدیدآورنده حق



انحصاری بهره‌برداری را برای مدت معین اعطا می‌کند. اما از آنجا که ماهیت پدیده‌های فکری و شیوه بهره‌برداری آنها یکسان نیست، قانون‌ها، مصداق‌های بهره‌برداری را در هر حوزه و موضوع مورد توجه قرار داده است. این مصداق‌ها ناظر به شیوه‌های بهره‌برداری متعارف است و با توسعه شیوه‌ها چه بسا این حقوق نیز توسعه یابد.

همچنین این حقوق، موضوع قاعده‌ها و حقوق دیگری مانند: حق نقل و انتقال، ارث، رهن گذاشتن و اعطای مجوز بهره‌برداری و ... واقع می‌شود. این دسته از حقوق (حق نقل و انتقال و ...) در حقیقت دامنه حق بهره‌برداری و استفاده حقوق اقتصادی را روشن می‌کند. از آنجا که حقوق مالکیت فکری دو شاخه ادبی و صنعتی دارد در ادامه به حقوق اقتصادی در این دو حوزه می‌پردازیم.

بند اول : حقوق اقتصادی مالکیت صنعتی

کمرنگ بودن حقوق معنوی و اهمیت ویژه منافع اقتصادی در پدیده‌های صنعتی، جنبه اقتصادی مالکیت صنعتی را بسیار برجسته کرده است. حقوق اقتصادی دو جنبه دارد: ایجابی و سلبی. حقوق اقتصادی به لحاظ ایجابی برای پدیدآورنده درباره موضوع پدیده فکری نسبت به انواع بهره‌برداری سلطنت پدید می‌آورد و به لحاظ سلبی پدیدآورنده می‌تواند مانع دیگران از بهره‌برداری شود. نکته مهم اینکه حقوق ایجابی و اعمال آن در نظام‌های حقوقی با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو است. از این‌رو برخی ترجیح می‌دهند در تعریف و شمارش حقوق مترتب بر پدیده‌های فکری فقط از حقوق سلبی یاد کنند. ما در ادامه با رویکرد ایجابی حقوق اقتصادی مترتب بر پدیده‌های فکری را بررسی می‌کنیم.

الف : حق انحصاری ساخت

روشن‌ترین نتیجه اختراع محصول، ساخت و تولید انبوه آن است که به‌وسیله آن، پدیدآورنده به منافع اقتصادی دست می‌یابد. نظام‌های حقوقی مالکیت فکری از این امر حمایت می‌کنند و حق انحصاری ساخت و تولید اثر اختراع شده را به پدیدآورنده می‌دهند. براساس این حق انحصاری، مخترع می‌تواند دیگران را از ساخت و تولید اثر منع کند.



ب: حق انحصاری فروش

نتیجه اختراع ممکن است تولید محصول یا انجام فرایند باشد. اگر نتیجه اختراع، تولید محصول باشد، نه تنها تولید و تکثیر آن بدون رضایت پدیدآورنده ممنوع است بلکه فروش کالای تولید شده نیز به رضایت مخترع منوط است و همچنین اگر نتیجه اختراع، یک فرایند باشد، استفاده دیگر اشخاص از آن بدون رضایت پدیدآورنده ممنوع است.

ج: حق ممانعت از واردات

چه بسا محصول اختراع شده خارج از مرزهایی که اختراع در آن به ثبت رسیده تولید شود و واردات محصول باعث شود صاحب اختراع به منافع اقتصادی کار فکری خود دست نیابد. از این رو صاحب اختراع باید بتواند از واردات کالا جلوگیری کند. قانون ثبت علائم و اختراعات در این باره ساکت است و این حق در دیگر قانون‌های داخلی نیز پیش‌بینی نشده است.

بند دوم: حقوق اقتصادی مالکیت ادبی

بخش مهمی از حقوق پدیده‌های فکری و ادبی، حقوق اقتصادی است. این حقوق چه مستقل از حقوق اخلاقی باشد یا بر حقوق اخلاقی مترتب شود، اهمیت فراوانی در نظام مالکیت فکری دارد. این حقوق موقت و قابل نقل و انتقال به دیگری است. حقوق اقتصادی مالکیت ادبی و هنری با توجه به وضعیت و شیوه بهره‌برداری، مصداق‌های متعددی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

الف: حق نشر و تکثیر

حق نشر و تکثیر از مهم‌ترین مصداق‌های حقوق اقتصادی شمرده می‌شود؛ زیرا اگرچه نشر، ابزار رساندن پیام پدیدآورنده به عموم است، منافع اقتصادی فراوانی برای ناشر به دنبال دارد. از این رو پدیدآورنده می‌تواند با اذن خود به ناشر از منافع اقتصادی اثر بهره‌مند شود. حقوق کشورها، این حق را به صراحت مورد تأیید قرار داده‌اند.

براساس حق پیش‌گفته انتقال نسخه اصلی و دست‌نویس اثری به دیگری، مستلزم وجود حق نشر برای خریدار نیست؛ زیرا خریدار فقط مالک مال مادی است و حق نشر و تکثیر به وی

منتقل نمی‌شود؛ مگر اینکه به سبب قرارداد، این حق نیز به وی واگذار شده باشد (صفایی، ۱۳۵۰: ۱۱۰).

ب: حق ترجمه

ترجمه اثری به زبان دیگر، می‌تواند سرچشمه درآمد فراوانی باشد و نباید به اشخاص اجازه داد که بدون اجازه مؤلف اثر او را ترجمه و از این راه بهره‌برداری کنند (همان: ۱۱۱). از این رو بند ۵ ماده ۵ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، ترجمه را از جمله حقوق قابل واگذاری به غیر می‌داند.

درباره حق ترجمه به صورت حق مستقل، این پرسش وجود دارد که آنچه در حوزه حقوق مؤلف قرار می‌گیرد، محتوا به همراه شکل خاص بیانی است، یا اینکه محتوا فقط نیز مشمول حمایت قانون قرار می‌گیرد. بنابر برخی مبانی مانند نظریه شخصیت کانت، بیان محتوا به تنهایی مشمول حمایت قانون قرار نمی‌گیرد بلکه شکل بیان مانند زبان اهمیت داشته و قابل حمایت است. از این رو، ترجمه اثری، بیان نویسنده اصلی قلمداد نمی‌شود هر چند محتوای ترجمه و اثر ترجمه شده یکسان باشد. ظاهر قانون حمایت مؤلفان ایران از این مطلب حکایت دارد که صرف وحدت پیام و محتوای اثر مورد حمایت قرار می‌گیرد. بنابراین ترجمه اثر از جمله حقوق اقتصادی شمرده شده که به اجازه نویسنده نیاز دارد.

ج: حق اقتباس، تلخیص و تبدیل

حق اقتباس، تلخیص و تبدیل به منظور پدیدساختن اثری دیگر، به پدیدآورنده اختصاص دارد که منتزع از حق تمامیت اثر است. اقتباس و تلخیص اثر، مستلزم تغییر اثر است و بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است. اما پدیدآورنده می‌تواند در برابر اذن خود، مبلغی را دریافت کند. از این رو، اقتباس و تلخیص، حق اقتصادی قلمداد می‌شود.

د: حق استفاده از پاداش و جایزه

چهار دولت‌ها و مؤسسه‌های غیردولتی برای ترویج افکار به پدیدآورندگان خاص جایزه بدهند. این جایزه به شخص پدیدآورنده اثر تعلق دارد و از حقوق وی شمرده می‌شود. حتی اگر پدیدآورنده تمام حقوق خود را به دیگری واگذارده باشد، این حق منتقل نمی‌شود؛ زیرا



غرض جایزه دهنده این است که جایزه را به پدیدآورنده اعطا کند. از این رو، براساس تبصره ماده ۱۳ قانون حمایت مؤلفان، پاداش، جایزه نقدی و امتیازهایی که در مسابقه‌های علمی، هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون تعلق می‌گیرد، متعلق به پدیدآورنده خواهد بود.

ه: حق عرضه و اجرا

برخی از پدیده‌های فکری قابلیت عرضه و اجرا دارند، به‌طور مثال نمایش‌نامه را می‌توان به اجرا درآورد و آن را به عموم عرضه کرد یا برنامه موسیقی را به اجرا درآورد. قانون حمایت از مؤلفان در بند ۳ و ۵ این حقوق را متعلق به پدیدآورنده دانسته و آن را قابل واگذاری به غیر می‌داند.

گفتار دوم: حقوق معنوی مالکیت فکری

همان‌طور که گفتیم، حقوق اخلاقی و معنوی در حق اختراع بسیار کم‌رنگ است. فقط حق اخلاقی در اختراعات، ذکر نام مخترع در ورقه اختراع است. این حق در ماده ۳ موافقت‌نامه پاریس آمده است. براساس این ماده، مخترع حق دارد که در ورقه اختراع به عنوان مخترع نام برده شود.

در قانون ثبت اختراع ژاپن و ایالات متحده آمریکا این حق باید در گواهی اختراع ذکر شود و قابل اسقاط نیست. طبق قانون ثبت اختراع آلمان و اتحادیه اروپا این حق باید ذکر شود اما قابل اسقاط است. درباره ذکر نام مخترع در قوانین ایران ذکر می‌شود که میان نیامده است اما از مجموع آیین‌نامه‌ها می‌توان استنباط کرد که ذکر نام مخترع لازم است اما نظر به عدم صراحت قانون باید گفت این حق قابل اسقاط است.

برخلاف مالکیت صنعتی، حقوق اخلاقی و معنوی در مالکیت ادبی بسیار پررنگ و مهم قلمداد می‌شود. در ادامه به این حقوق اشاره می‌کنیم.

بند اول: حق افشای اثر

حق افشای اثر، حقی است که نویسنده براساس آن درباره زمان، مکان و چگونگی افشای اثر خود به شخص یا اشخاص تصمیم می‌گیرد. وجود این حق برای پدیدآورنده، دیگران را از

اجبار نویسنده به افشای اثر باز می‌دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند پدیدآورنده را به افشای اثر خود مجبور سازد.

برخی قوانین، حق افشای اثر را با حق اقتصادی اجازه نخستین نشر پیوند داده‌اند یعنی با انتقال حق اقتصادی نخستین نشر، دیگر حق افشای اثر برای پدیدآورنده باقی نمی‌ماند. حق پیش‌گفته در کشورهای فرانسه و آلمان گسترده‌تر است و حتی بعد از واگذاری حق اقتصادی نخستین نشر نیز ادامه می‌یابد (Sterling, ۲۰۰۳: ۳۴۰). واگذاری حق نخستین نشر به‌طور صریح یا ضمنی دلالت بر واگذاری اجرای حق افشای اثر نمی‌کند در نتیجه موجبی برای واگذاری آن وجود ندارد و باید گفت این حق باقی است.

بنابراین در صورتی که حق نخستین نشر براساس قرارداد به دیگری واگذار شده باشد، پدیدآورنده برخلاف اصل اجباری بودن قرارداد می‌تواند با استناد به حق افشای اثر از تحویل آن خودداری کند (ر.ک: صفایی، ۱۳۵۰: ۱۲۳).

بند دوم: حق نام و عنوان پدیدآورنده

به سبب این حق، پدیدآورنده می‌تواند انتشار اثر را با نام و عنوان خود بخواهد یا اینکه انتشار اثر بدون نام یا با نام مستعار را طلب کند (همان). ماده ۱۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان در این باره مقرر می‌دارد:

«انتقال‌گیرنده، ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده، استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر، همراه اثر، روی نسخه، نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج کنند مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

بنابر اینکه حق حرمت نام و عنوان به رسمیت شناخته شود می‌توان گفت اگر مؤلف برای اثر خود نام مستعار انتخاب کرده باشد، به استناد حق حرمت نام هرگاه که بخواهد می‌تواند نام واقعی خود را آشکار سازد» (سنه‌وری، بی تا: ۴۱۵).